

وحدت اسلامی و امنیت در حج از منظر قرآن کریم و تفاسیر فریقین

ایوب شافعی پور^۱

چکیده

آیات قرآن کریم برای حج اهداف و مقاصدی را برشمرده که نویسنده در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به مطالعه دوهدف از آن اهداف که عبارت‌اند از «دیپلماسی وحدت اسلامی» و «امنیت»، پرداخته و با بررسی آیات قرآن کریم و تفاسیر فریقین به این نتیجه رسیده که حج و اجتماع مسلمانان در حج برای حفظ و بقای وحدت اسلامی و استمرار آن امری ضروری است و مسلمانان و رهبران بلاد مختلف اسلامی در آن ایام و در آن مکان مقدس می‌توانند با تجمع و مشورت سالیانه و دیپلماسی وحدت، برای بهبود وضعیت مسلمانان و تحکیم وحدت و اخوت اسلامی تلاش کرده، در این ایام نوعی تمرین هم‌افزایی و همگرایی را طبق آیات قرآن کریم انجام دهند.

کمک به فقرا و نیازمندان به وسیله قربانی‌هایی که در ایام حج انجام داده می‌شود نیز از مظاهر وحدت و یکپارچگی مسلمانان و حفظ اخوت اسلامی، و نوعی منفعت اقتصادی حاصله از حج است.

در قرآن کریم آیات فراوانی از برقراری امنیت حج، که از دیگر اهداف و مقاصد حج است،

در زمان ها و مکان های برگزاری این عبادت بزرگ خبر داده اند. خداوند مکان ها (مکه و بیت الله الحرام) و زمان های حج (ماه های حرام) را امن اعلام کرده و آنها را حریم امن الهی دانسته است تا حاجیان پس از ادای فریضه حج در امنیت کامل بتوانند این امنیت را به کشورهای خود سوغات ببرند و نتایج دیپلماسی امنیت حاصله از حج را در کشورهای خود اجرایی کنند.

کلید واژه ها: قرآن کریم، اهداف، مقاصد، حج، تفاسیر فریقین، دیپلماسی، وحدت اسلامی، امنیت.

مقدمه

از ضروریاتی که هر جامعه بشری از آغاز تاکنون بدان نیازمند بوده وحدت، یکی بودن و باهم بودن است. در طول تاریخ وحدت و یکپارچگی میان ملل و جوامع نقشی بس بزرگ و همواره سرنوشت ساز داشته و تاریخ گواه است که ملل و جوامعی که توانستند با هم یکی شوند و خودشان را از تفرقه و چنددستگی مصون بدارند، همواره ملتی سربلند، و در مقابل دشمنان و هجوم خارجی ها پیروز بودند و جوامعی که این چنین نبودند و میانشان چنددستگی و نزاع و تفرقه وجود داشته، با کمترین تهدیدی عزت خود را از دست دادند و به ناچار سرتعظیم مقابل دشمنان خود فرود آوردند.

قرآن کریم برنامه همه جانبه و بزرگی را برای تحقق امنیت، به عنوان عامل مهم وحدت اسلامی، در نظر گرفته است. آیات بسیاری درباره وحدت، نهی از تفرقه، سرنوشت و پیامدهای منفی، و چنددستگی سخن گفته اند و موانع و راهکارهای آن با ذکر نمونه هایی از امت های پیشین به روشنی در کلام خداوند منعکس شده است.

نعمت امنیت نیز از بزرگ ترین نعمت هایی است که خداوند متعال بر بندگانش ارزانی داشته و در برخی مواقع به دلایلی، از جمله زیاده خواهی برخی مستکبران و ظالمان، از برخی افراد سلب می شود. در روایات نیز بر نعمت امنیت در کنار سلامتی تأکید و ارج نهاده شده است؛ برای مثال پیامبر ﷺ در روایاتی فرمود:

- نعمتان مجهولتان الامن والعافية. (فتال نیشابوری، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۴۷۲)

دو نعمت اند که قدرشان مجهول است: صحت و امنیت.

- نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ. (مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۷۸، ص ۱۷۰)

دو نعمت امنیت و عافیت است که شکرشان به جا آورده نمی شود.

با عنایت به آنچه گذشت می توان گفت یکی از اهداف و مقاصد مهم حج، تحقق وحدت و اخوت اسلامی و امنیت است. اعمال حج همگی بر همین هدف پایه گذاری شده و به دنبال محقق ساختن این هدف والا بین پیروان مذاهب مختلف اسلامی است. افراد در حج فارغ از هرگونه نژاد، رنگ، پول و ثروت یا فقر، رئیس یا کارگر بودن با پوشیدن لباس یک رنگ و یک شکل این را تداعی می کنند که هیچ کس بر دیگری برتری ندارد و بالأخره روزی همگی با همین لباس رخت از این دنیا بریسته و آنچه ملاک است، اعمال صالح و تقواست و همه اینها خود از مظاهر و اهداف واقعی حج به شمار رفته که نوعی تداعی گر تمرین وحدت و یکپارچگی بین مسلمانان است تا فارغ از هرگونه مذهب و فرقه و دیگر تعلقات دنیوی حول یک محور گرد هم آیند و نگذارند دشمن مشترک در همه ابعاد در آنان نفوذ کرده، عزتشان را بگیرد؛ یعنی در واقع حج نوعی تمرین برادری اسلامی و اتحاد و همدلی بین مسلمانان است.

آیات قرآن کریم برای حج اهداف و مقاصدی را برشمرده که از جمله آنها عبارت است از: توحید، اخلاص، عبادت خداوند باری تعالی، تطهیر نفس از اخلاق ناپسند، تزکیه نفس برای رسیدن به تقوا، شکر نعمت های الهی، ایجاد امنیت و تمرین امن زیستن، تعظیم و تکریم شعائر الهی، تحقق وحدت اسلامی و ایجاد اخوت اسلامی.

آشکار است که سخن از همه این اهداف مذکور از نگاه قرآن در یک پژوهش کوتاه ممکن نیست و اشاره به همه این ابعاد مجال زیادی می طلبد که از حوصله یک مقاله به دور است. بدین روی پژوهشگر در پژوهش حاضر به دو هدف از این اهداف، یعنی وحدت و اخوت امت اسلامی و مسائل مربوط به دیپلماسی آن و امنیت، پرداخته و به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای درصدد بیان آیات قرآن و تفاسیر فریقین در این

زمینه برآمده است.

از آنجا که پژوهش جامع و مستقلى، که این اهداف حج را از دیدگاه قرآن و تفاسیر فریقین به بحث گذاشته باشد، یافت نشد، ضرورت پرداختن به آن آشکار می شود تا پس از بیان ثمرات و نتایج حاصله از این نوشتار، بتوان از این نتایج حاصله از بیانات قرآنی در بحث دیپلماسی حج و همگرایی و هم افزایی امت اسلامی و امنیت امت های مسلمان به مثابه یک نقشه راه استناد و استفاده کرد.

حج و وحدت و اخوت امت اسلامی

حج یک کنگره سالیانه عظیمی است که هرساله مسلمانان را از اقصانقاط عالم گرد هم می آورد. در واقع می توان گفت که هیچ کنگره عظیم و باشکوه دیگری مانند حج در دنیا وجود ندارد. پس ضروری است حال که فرصتی هرساله دست می دهد و مسلمانان با هم در مکان و زمان واحدی جمع می شوند، رهبران مذهبی جهان اسلام در این کنگره حول هم جمع شده و درباره برخی مسائل با هم مشورت کنند و بهترین روش ها و راه حل ها را برای بهبود اوضاع مسلمانان در زمینه های مختلف مادی، معنوی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشف و ارائه دهند و آنگاه آن روش های حاصله از خرد جمعی را به کشورهای خود برده، و در عرصه های مختلف پیاده سازی و اجرا کنند. این دیپلماسی، مشاوره و نشست ها اگر هرساله در حج انجام شود، شاهد برقراری کامل وحدت و برادری اسلامی خواهیم بود؛ ضمن آنکه ضمانتی اجرایی برای حفظ امنیت و انسجام در کشورهای اسلامی و جهان اسلام نیز خواهد بود. بنابراین یکی از اهداف حج، تحقق بخشیدن به وحدت و اخوت امت اسلامی بوده و از عوامل محقق شدن این وحدت و اخوت همان جمع شدن مسلمانان و رهبران آنها و مشورت درباره مشکلات مسلمانان و ارائه راهکار برای رفع آن مشکلات و قوت بخشیدن به اخوت اسلامی است.

خداوند در قرآن فرموده است:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَلَکُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾ (حج: ۲۷ و ۲۸)

و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکب های لاغراز هر راه دوری به سوی تو بیایند تا شاهد منافع گوناگون خویش [در این برنامه حیات بخش] باشند و در ایام معینی نام خدا را بر چهارپایانی که به آنان داده است، [هنگام قربانی کردن] ببرند. پس از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را نیز اطعام کنید.

آیات مذکور منافع گوناگون دنیوی و اخروی را برای حج و تجمع مسلمانان در آن برشمرده است؛ چرا که واژه «مَنَافِعَ» مطلق آمده است.

می توان از دیگر منافع این اجتماع عظیم سالانه را تجمع مسلمانان در اماکن مقدسه حج و همکاری و نزدیکی آنان در این مراسم عظیم دانست؛ چرا که این تجمع به نزدیکی قلوب و دل های آنان و شناخت معارف و مناسک مشترک - علی رغم همه اختلافات جزئی، مانند رنگ، قومیت، نژاد و مذهب - می انجامد.

جمله ﴿وَأَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾ بیانگریکی دیگر از مظاهر وحدت اسلامی در حج است که عبارت است از: اطعام فقرا و نیازمندان. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه نوشته است:

در این جمله «مَنَافِعَ» مطلق ذکر شده و نفرموده منافع دنیایی یا اخروی؛ چون منافع دو نوع است:

یکی دنیوی که در همین زندگی اجتماعی دنیا سود بخشیده و زندگی آدمی

را صفا می دهد و حوائج گوناگون او را برآورده، و نواقص مختلف آن را برطرف می سازد؛ مانند تجارت، سیاست، امارت، تدبیر و اقسام رسوم و آداب و سنن و عادات و انواع تعاون و یاری های اجتماعی و غیر آن.

معلوم است که وقتی اقوام و امت های مختلف از مناطق مختلف زمین با همه تفاوت ها که در انساب و رنگ و سنن و آداب آنهاست در یکجا جمع شده و سپس یکدیگر را شناختند و معلوم شد که کلمه همه آنها واحد است و آن، کلمه «حق» است و معبود همه یکی است و او خدای عزوجل است و وجهه همه یکی است و آن کعبه است، این اتحاد روحی آنها به اتحاد جسمی، و آن وحدت کلمه، ایشان را به تشابه در عمل می کشاند. این از آن دیگری آنچه می پسندد می آموزد و آن دیگری نیز خوبی های این را می گیرد و این به کمک آن می شتابد و در حل مشکلات آن قوم کمر می بندد و به اندازه مقدور خود یاری اش می دهد. در نتیجه جامعه های کوچک به یک جامعه بزرگ مبدل می شود. آن وقت نیروهای جزئی نیز به نیروی کلی مبدل می شود که کوه های بلند هم در مقابل آن نمی تواند مقاومت کند و هیچ دشمن نیرومندی حریف آن نمی شود و جان کلام اینکه هیچ راهی به سوی حل مشکلات به مانند تعاون نیست و هیچ راهی به سوی تعاون چون تفاهم نیست و هیچ راهی به سوی تفاهم مانند تفاهم دینی نیست.

نوع دوم از منافع، منافع اخروی است که همان وجود انواع تقرب ها به سوی خداست؛ تقرب هایی که عبودیت آدمی را مجسم سازد و اثرش در عمل و گفتار آدمی هویدا گردد و عمل حج با مناسکی که دارد انواع عبادت ها و توجه به خدا را شامل و متضمن است؛ چون مشتمل است بر ترک تعدادی از لذایذ زندگی و کارهای دنیایی و کوشش ها برای دنیا و تحمل مشقت ها، و طواف

پیرامون خانه او و نماز و قربانی و انفاق و روزه و غیر آن. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، ص ۵۲۱-۵۲۲)

ابن عباس درباره واژه «الْبَائِس» در این آیه گفته است:

بائس به کسی اطلاق می شود که بدبختی او در لباس و صورت او نمایان است؛ اما فقیر کسی است که ممکن است این گونه نباشد و لباسش خوب، چهره ای، چهره ای غنی باشد. (ابن عادل حنبلی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۴، ص ۷۶)

بنابراین نمی توان فقرا و نیازمندان را از روی ظاهر آنها تشخیص داد و از این رو شخص مسلمان باید به جست و جوی نیازمندان پرداخته، آنها را پیدا کند؛ چراکه اگر این کار را نکند و از روی ظاهر به فقر یا بی نیازی کسی پی ببرد، ممکن است خیلی از فقرا و مستمندان از قلم افتاده، شامل کمک و اطعام وارده در آیه نشوند. برای همین خداوند در قرآن فرموده است: ﴿يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ﴾؛ «و از شدت خویشتن داری، افراد نا آگاه، آنها را بی نیاز می پندارند». (بقره: ۲۷۳)

پس برای بخشیدن گوشت های قربانی به نیازمندان و فقرا نباید به ظاهر قضاوت کرد؛ بلکه باید به جست و جوی آنان پرداخت تا با بخشیدن گوشت قربانی به آنان یکی دیگر از تجلیات وحدت اسلامی، به ویژه در ایام حج، محقق شود. خداوند متعال در آیه دیگری می فرماید:

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾. (حج: ۳۷)

نه گوشت ها و نه خون های آنها، هرگز به خدا نمی رسد. آنچه به او می رسد، تقوا و پرهیزگاری شماست.

ابن عاشور در تفسیرش در باره این آیه نوشته است:

هدف از ریختن خون و قطعه کردن گوشت، مقصود و منظور از آن به هیچ وجه

تعبد نیست؛ بلکه وسیله‌ای است برای نفع رساندن به مردم؛ زیرا آنان (فقرا و نیازمندان) تا ذبح و قربانی صورت نگیرد، از گوشت و پوست و اجزای آن حیوانات برخوردار نمی‌شوند و مقصود از تشریع آن (قربانی) نفع رساندن به نیازمندان و دیگران است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۱۹۳)

برخی مفسران نیز یکی از اهداف ریختن خون را همان فداکاری و یاری رساندن به فقرا بیان کرده‌اند و گفته‌اند:

هدف قربانی کردن آن است که شما با این عمل عبادی، مدارج کمال را پیمایید و به خدا نزدیک‌تر شوید و درس ایثار و آمادگی برای فداکاری و شهادت و نیز درس یاری رساندن به فقیران را بیاموزید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۳، ص ۳۰۲)

پس در آیات مذکور برای حج منافی برشمرده شد؛ از جمله:

-تجمع و مشورت سالیانه امت اسلامی و رهبران آنها برای بهبود وضعیت مسلمانان و تحکیم وحدت و اخوت اسلامی؛

-کمک به فقرا و نیازمندان به وسیله قربانی‌های مسلمانان که در ایام حج انجام می‌دهند که این نوع کمک نیز خود از مظاهر وحدت و یکپارچگی مسلمانان و حفظ اخوت اسلامی است.

در آیه دیگری از قرآن آمده است:

﴿الْحُجَّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحُجَّ فَلَا رَفْعَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحُجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾. (بقره: ۱۹۷)

حج در ماه‌های معینی است و کسانی که [با بستن احرام و شروع به مناسک

حج، [حج را بر خود فرض کرده‌اند، [باید بدانند که] در حج، آمیزش جنسی با زنان و گناه و جدال نیست و آنچه از کارهای نیک انجام دهید، خدا آن را می‌داند و زاد و توشه تهیه کنید که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است و از من پرهیزید، ای خردمندان.

خداوند درباره میقات‌های زمانی فرموده است: ﴿الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ﴾ «حج در ماه‌های معینی است». (بقره: ۱۹۷)

با توجه به آیات قرآن می‌توان گفت که حج یک عبادت جمعی است و می‌طلبد که مناسک آن را در یک زمان، مکان و لباس واحد انجام داد. پس فقدان این عناصر باعث تمام نشدن حج و ناقص ماندن آن می‌شود و این نشانگر نوعی حرص در اسلام برای گردآوری مسلمانان است، چرا که این اجتماع را امری ضروری برای حفظ و بقای وحدت اسلامی و استمرار آن دانسته است؛ زیرا همه اقوام و ملل و جوامع اسلامی را در محل نزول وحی جمع کرده؛ از این طریق به شناخت و باهم بودن مسلمانان کمک شایانی می‌کند و این خود منجر به همگرایی و کاهش اختلافات بین نژادهای مختلف مردم می‌شود. همچنین این تجمع، آموزشی عملی است برای تحمل و مدارا هنگام اختلافاتی که منجر به شکست و سست شدن امت اسلامی می‌شود.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال هشام بن حکم از حکمت حج و طواف کعبه فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ وَأَمَرَهُمْ وَنَهَاَهُمْ مَا يَكُونُ مِنْ أَمْرِ الطَّاعَةِ فِي الدِّينِ، وَمَصْلَحَتِهِمْ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُمْ، فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا، وَلِيَتَرَبَّحَ كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التِّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ، وَلِيَتَنَفَّعَ بِذَلِكَ الْمُكَارَى وَالْجَمَالُ، وَلِتُعَرَفَ أَنَارُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْبَارُهُ وَيُذَكَّرُوا لَا يُنْسَى وَلَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ إِذَا تَتَكَلَّمُوا عَلَى بِلَادِهِمْ

وما فيها هلكوا، وَخَرِبَتِ الْبِلَادُ، وَسَقَطَ الْجَلْبُ وَالْأَرْبَاحُ، وَعُمِّيَتِ الْأَخْبَارُ، وَلَمْ يَقِفُوا عَلَى ذَلِكَ، فَذَلِكَ عِلَّةُ الْحَجِّ. (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۹۶، ص ۳۳)

خداوند متعال مردمان را بیافرید و آنها را به پیروی از دین و آنچه مصلحت دنیایشان در آن است، فرمان داد و نهی کرد و حج را مایه فراهم آمدن مردم از شرق و غرب عالم و آشنا شدن آنها با هم (آگاه شدنشان از حال و روز یکدیگر) قرار داد و تا بازگشتن از شهر به شهری کالای می‌برند، سود برند و کرایه دهندگان و شترداران به فایده‌ای رسند و تا آثار پیامبر خدا ﷺ شناخته شود و خبرهای آن حضرت نقل و بازگو شود و از یادها نرود. اگر هر قومی و مردمی، فقط به شهر و سرزمین خود بسنده می‌کردند، نبود می‌شدند و شهرها ویران می‌شد و درآمدها و سودها کاهش می‌یافت و خبرها پوشیده می‌ماند و کسی از آنها آگاه نمی‌شد. این است حکمت حج.

پس می‌توان گفت بر مسلمانان واجب است از وحدت اسلامی، به ویژه در ایام حج، دفاع کنند و بدانند که دشمن مشترک آنان شوکت اسلام را هدف گرفته است و از این رو باید نسبت به آن دشمنان همواره بیدار باشند و این پیام الهی را به یاد داشته باشند:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾. (آل عمران: ۱۰۵)

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ [آن‌هم] پس از آنکه نشانه‌های روشن [پروردگار] به آنان رسید و آنها عذاب عظیمی دارند.

پس خداوند مسلمانان را شدیداً از اختلاف بر حذر داشته، اختلاف را مایه عذاب شدید می‌داند. آنچه موجب می‌شود مسلمانان دچار اختلاف شوند، فراموشی و بی‌خبری از دسیسه دشمنان اسلام است؛ آن دشمنان مشترکی که هیچ وقت تجمع

و وحدت مسلمانان را نخواست و در پی به هم ریختن صفوف مسلمانان برآمده و برای آن نقشه‌ها ریخته‌اند و همواره در نابود کردن مشترکات مسلمانان و دور ساختن آنان از عوامل همگرایی و هم‌افزایی کوشیده‌اند. همان‌گونه که همه می‌دانند، یکی از آن عوامل همگرایی بین مسلمانان کنگره عظیم سالانه حج است و از این رو دشمنان بیش از پیش این نماد وحدت را نشانه گرفته‌اند.

مؤسس فرقه بهائیت، میرزا حسین علی نوری (ملقب به بهاء الله)، به نابود کردن کعبه و انهدام آن وصیت می‌کند و می‌گوید:

حج دانشگاهی است که همه مسلمانان، صرف نظر از دیار و زبان و رنگ، را در بر می‌گیرد و مانعی در برابر از هم گسیختگی و جدایی آنان است. مسلمانان در شبانه‌روز بیش از پنج بار به آن (کعبه) روی می‌آورند و آنها فقط یک خدا را می‌خوانند. سپس هر ساله حج به جامی آورند و در آنجا مسلمانان از دوردست‌ترین و نزدیک‌ترین مکان‌ها و بلاد باهم دیدار می‌کنند. سیاه و سفید، نسبی جز اسلام ندارند و به جز سلام و سلامتی هیچ سخنی ندارند. (جمال، ۱۳۹۱ق، ص ۳۲)

همان‌گونه که ملاحظه شد، حتی دشمنان اسلام نیز بر اینکه کعبه و حج از بزرگ‌ترین اسباب تحقق وحدت بین مسلمانان هستند، اتفاق نظر دارند و بر آن اذعان کرده، به دنبال از بین بردن این کنگره عظیم سالانه هستند.

پس حج برای تخریب نقشه‌های دشمنان اسلام، که در جهت پاره کردن و متفرق ساختن مسلمانان و تضعیف آنان، تلاش می‌کنند، می‌کوشد.

یکی از پژوهشگران اسلامی درباره جایگاه کعبه و حج می‌نویسد:

نگاهی به نقشه جهان اسلام به ما نشان می‌دهد چگونه اسلام به سان یک

بلوک واحد، که از شرق تا غرب دور را شامل می‌شود، در حال گسترش بوده و همه چیز حول یک محور می‌چرخد و آن کعبه و مکه مکرمه است و این فقط مختص اسلام است و دیگر ادیان چنین اجتماع واحدی و مکان بزرگی را دارا نیستند. (دراز، ۱۹۷۹م، ص ۱۳۷)

ایجاد امنیت

از دیگر اهداف حج ایجاد امنیت بین بلاد مسلمین است؛ امنیتی که از شاهراه حیاتی کنگره عظیم حج حاصل می‌شود، اما خود حج بدون آن به سرانجام نمی‌رسد؛ به عبارت دیگر خداوند مکان‌ها (مکه و بیت الله الحرام) و زمان‌های حج (ماه‌های حرام) را امن اعلام کرده و آن را حریم امن الهی دانسته است تا از این طریق هم فریضه حج مسلمانان در آرامش کامل برگزار شود و هم فرصتی برای هم‌اندیشی و دیپلماسی مسلمانان باشد تا در این ایام و اماکن بتوانند از طریق دیپلماسی پیرامون امنیت کشورهای اسلامی و کل بلاد جهان هستی، دست‌پره کشورهای خود برگشته، ارمانی به نام امنیت را به کشورهای خود ببرند.

وقتی امنیت از بین برود، هرج و مرج پیش می‌آید، منافع مردم به خطر می‌افتد و از بین می‌رود، حوادث و جرائم گسترش می‌یابد و جنایتکاران در زمین فساد می‌کنند؛ اما امنیت با حج ارتباط تنگاتنگی دارد؛ به گونه‌ای که برپایی این فریضه الهی مبتنی بر امنیت، سلامتی و آرامش است.

همان‌گونه که واضح است تعداد حاجیان هرساله افزایش می‌یابد و این افزایش حاجیان و پذیرش آنان در اماکن حج مقدور نیست، مگر به دلیل وجود نعمت امنیت جانی و مالی آنان و اگر امنیت نبود یا امکان رفتن حج وجود نداشت، تعداد کمتری موفق به رفتن به حج می‌شدند.

خداوند انجام دادن مناسک حج را منوط به امنیت دانسته و فرموده است:

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ
مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾. (آل عمران: ۹۷)

در آن نشانه‌های روشن، [از جمله] مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن (خانه خدا) شود، در امان خواهد بود و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه [او] کنند؛ آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند و هر کس کفر ورزد [و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده]، خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.

آیه مذکور استطاعت طریقی را برای حج شرط می‌کند؛ یعنی راه مکه باز باشد و امنیت داشته باشد.

همچنین فرموده است:

﴿فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾. (بقره: ۱۹۶)

و هنگامی که در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است [ذبح کند].

در آیه مذکور، همان‌طور که پیداست، خداوند امنیت را شرط شروع حج ذکر کرده است.

ابن کثیر در تفسیر این آیه گفته است: «پس اگر از نظر امنیت برای شما امکان به جا آوردن مناسک بود، آن را به جا آورید و حج بگذارید». (ابن کثیر، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۳۰۶)

در قرآن کریم آمده است که حضرت ابراهیم علیه السلام برای امنیت این مکان مقدس این‌گونه دعا کرد:

﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ﴾. (بقره: ۱۲۶)

پروردگارا، این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را، آنها که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده اند، از ثمرات [گوناگون] روزی ده.

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه و دعای حضرت ابراهیم علیه السلام نوشته است: جالب اینکه ابراهیم نخست تقاضای «امنیت» و سپس درخواست «مواهب اقتصادی» می کند و این خود اشاره ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حکم فرما نباشد، فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۴۵۲)

همچنین در آیه دیگری این دعا برای امنیت از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام چنین آمده است:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾.
(ابراهیم: ۳۵)

[به یاد آورید] زمانی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را شهر امن قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بت ها دور نگاه دار.

مفسران در این باره گفته اند: «معلوم می شود که بالاترین نعمت، که مقدمه هر نعمتی است، نعمت امنیت است». (جعفری، ۱۳۷۶ ش، ج ۵، ص ۶۲۰)

پس خداوند دعای حضرت ابراهیم را مستجاب کرده و کعبه و شهر مکه را محلی امن قرار داده و فرموده است: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَقَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا﴾ (بقره: ۱۲۵) و [به خاطر بیاورید] هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم.

پس طبق نظر مفسران ذیل این آیه، کعبه پناهگاه و کانون امن و امان است. در اسلام مقررات شدیدی برای اجتناب از هرگونه کشمکش و جنگ و خون ریزی در

این سرزمین مقدس وضع شده است؛ به طوری که نه تنها انسان ها، بلکه حیوانات و پرندگان نیز در آنجا در امن و امان اند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۳۹۴)

ابن عباس درباره واژه «وَأَمْنًا» در این آیه می گوید: «منظور از "وَأَمْنًا" یعنی امن برای همه مردمی که قصد به جا آوردن حج و سفر به آنجا را دارند». (ابن کثیر، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۲۲۲)

در جای جای قرآن کریم این مکان مقدس و این شهر به عنوان شهر امن و دارای امنیت معرفی شده و خداوند به آن قسم یاد کرده است: «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»؛ «و قسم به این شهر امن (مکه)». (تین: ۳)

اکثر مفسران نیز منظور از شهر امن را مکه دانسته و گفته اند:

منظور مکه مشرفه است و بلد امینش خوانند؛ چون امنیت یکی از ویژگی های حرم است و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریع نشده و این حرم سرزمینی است که خانه کعبه در آن واقع است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۰، ص ۵۳۹)

پس خداوند متعال شهر مکه و بیت الله الحرام را به دلیل سفر هرساله مردم به قصد حج، شهر امن و امنیت معرفی کرده و این منتهی است بر اهالی مکه که به دلیل وجود خانه کعبه و همچنین سفر حج، خداوند شهرشان را امن قرار داده و در این باره فرموده است:

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ﴾. (عنکبوت: ۶۷)

آیا ندیدند که ما حرم امنی [برای آنها] قرار دادیم، در حالی که مردم را در اطراف آنان [در بیرون این حرم] می ربایند؟! آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را کفران می کنند؟!

قرطبی می‌گوید: «برای آنان کعبه را حرم امن قرار داد تا از غارت، اسارت و قتل و کشتاری که بیرون از حرم مکه بود، در امان باشند». (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۳، ص ۳۶۴)

طبرسی نیز ذیل این آیه گفته است:

این حرم و مکه را امن گردانید تا اهل آن از قتل و غارتی که در بیرون آن رواج داشت در امان باشند و این بالاترین نعمتی است که خداوند به آنها عطا کرد؛ اما باز ایشان ناسپاسی کردند و آن حرم را مأمّن بت‌ها و خدایان ساختگی از سنگ و چوب کردند. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۴۵۸)

در آیه‌ای دیگر نیز خداوند متعال امن بودن بیت الله الحرام و شهر مکه را یادآوری، و نعمت‌هایی که از قبال امن بودن آن شامل اهل آنجا شده را بیان می‌کند:

﴿أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾. (قصص: ۵۷)

آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی [از هر شهر و دیاری] به سوی آن آورده می‌شود؟! رزقی است از جانب ما؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند!

پس امنیت نعمت والایی است که خداوند در جای جای قرآن آن را آورده و به مؤمنان گوشزد، و به اهل مکه یادآوری می‌کند که این نعمت امنیت را فراموش نکنند. از قبال همین امنیت است که برخی دیگر از انواع نعمت‌ها به دست می‌آید؛ چنان که مفسران در این باره گفته‌اند: «بهبود، رونق و رشد اقتصادی در گرو امنیت و آرامش اجتماعی است». (قرائتی، ۱۳۸۸ ش، ج ۷، ص ۷۷)

خداوند این نعمت بزرگ امنیت را نه تنها برای اهل مکه و اهل حرم قرار داده، بلکه یادآوری می‌کند که این نعمت برای همه انسان‌هاست؛ چه آنان که در آنجا زندگی

می‌کنند و چه آنانی که از دیگر نقاط به آن مکان وارد می‌شوند؛ چنان که می‌فرماید:

﴿وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ
يِلْحَاقًا يَظْلَمِ نَفْسَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾. (حج: ۲۵)

مسجد الحرام که آن را برای همه مردم برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند، و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف شود و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می‌چشانیم!

جالب آن است که این امنیت ذکرشده برای اهل حرم، مکه و حاجیان، تنها مخصوص انسان‌ها نیست و شامل حیوانات و گیاهان نیز می‌شود.

ابن کثیر می‌گوید: «امنیت مکه فقط مختص انسان نیست؛ بلکه شامل حیوانات، درختان و همه چیز می‌شود؛ از جمله: حرمت صید کردن در حرم و قطع درختان و گیاهان آن». (ابن کثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۰۱)

البته همه فقها بر حرمت کشتار حیوانات و قطع درختان و گیاهان حرم اجماع دارند و روایات صحیح مستفیضه بسیاری در فریقین مؤید این حرمت است.

خداوند متعال نه تنها محل و مکان حج را برای بندگان امن قرار داده، بلکه زمان‌های حج را نیز امن قرار داده و آن را جزء ماه‌های حرام دانسته است؛ به عبارت دیگر خداوند علاوه بر امنیت میقات‌های مکانی حج، میقات‌های زمانی آن را نیز حرمت بخشیده تا امن باشند.

خداوند درباره این میقات‌های زمانی فرموده است: ﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ﴾ (بقره: ۱۹۷) «حج، در ماه‌های معینی است».

ماه‌های حج عبارت‌اند از: شوال، ذی القعدة و ذی الحجه. خداوند متعال درباره

ماه‌های حرام در قرآن فرموده است:

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ﴾. (توبه: ۳۶)

تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است که چهار ماه از آن، ماه حرام است [و جنگ در آن ممنوع است].

این چهار ماه حرام عبارت‌اند از: ذی‌القعدة، ذی‌الحجه، محرم و رجب که سه‌تای آن پشت سرهم، و یکی از آنها جدای از سه ماه دیگر قرار دارد. این ماه‌ها احکام خاصی دارد؛ چنان‌که معاصی، جنگ، قتل و کشتار در آن احکام سنگین‌تری به دنبال دارد که فقها بدان پرداخته‌اند.

قرآن درباره اینکه مسجدالحرام باید مرکز امنی برای همه باشد گفته است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْإِخَادِ يَظْلَمْ نَفْسَهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾. (حج: ۲۵)

کسانی که کافر شدند و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند و [همچنین] از مسجدالحرام که آن را برای همه مردم برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند، [مستحق عذابی دردناکند] و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف شود و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می‌چشانیم!

حتی در قرآن به امنیت حیوانات در ایام حج نیز اهمیت داده شده؛ چنان‌که آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آيِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمَ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾.

(مائده: ۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شعائر و حدود الهی [و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها] را حلال ندانید و نه ماه حرام را و نه قربانی‌های بی‌نشان و نشاندار را و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند؛ اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید کردن برای شما مانعی ندارد و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجدالحرام [در سال حدیبیه] بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و [همواره] در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و [هرگز] در راه گناه و تعدی همکاری نکنید! و از [مخالفت فرمان] خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است.

آیه مذکور این نکته مهم را بیان می‌کند که علاوه بر اینکه باید احترام، امنیت و حقوق حفظ شود، به حیواناتی هم که در این مسیر و در این مکان قرار دارند نیز باید احترام گذاشت.

پس خداوند به واسطه سفرایمن کسانی که قصد زیارت کعبه و مسجدالحرام را دارند و به برکت این فریضه الهی آن مکان را امن قرار داده و همچنین علاوه بر مکان حج، به زمان‌های حج نیز به واسطه معرفی کردن آنها به ماه‌های حرام، امنیت بخشید که همه این امنیت‌ها به برکت خانه کعبه و آسان‌سازی حج برای کسانی که قصد رفتن به آن مکان مقدس دارند، صورت گرفته است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که امنیت مکان‌ها و زمان‌های مربوط به حج از اهداف و ثمرات حج است. از این رونخبگان و رهبران جهان اسلام می‌توانند در ایام حج در جهت امنیت، کوتاه کردن دست دشمنان و ایجاد امنیت در بلاد اسلامی با هم دست دوستی داده، در شهرامن در زمان و مکان امن در ایام حج برای ایجاد امنیت، دیپلماسی داشته باشند و از قبال حج، علاوه بر وحدت و اخوت و همگرایی و هم‌افزایی، از شهرامن سوغاتی به نام امنیت نیز با خود ببرند.

نتیجه‌گیری

نویسنده پژوهش حاضر، که به دو هدف از اهداف حج (دیپلماسی وحدت اسلامی و امنیت) از دیدگاه قرآن و تفاسیر فریقین پرداخته، به نتایج ذیل رسیده است:

۱. آیات قرآن کریم برای حج منافع مادی و معنوی گوناگونی را برشمرده که یکی از آن منافع وحدت اسلامی و دیپلماسی است که به واسطه اجتماع عظیم سالانه مسلمانان در اماکن مقدس حج حاصل می‌شود. مسلمانان و رهبران بلاد مختلف اسلامی در آن ایام و با تجمع در آن مکان مقدس می‌توانند با مشورت سالیانه و دیپلماسی وحدت برای بهبود وضعیت مسلمانان و تحکیم وحدت و اخوت اسلامی تلاش کنند.

مفسران معتقدند این اجتماع امری ضروری برای حفظ و بقای وحدت اسلامی و استمرار آن است؛ زیرا حج همه اقوام و ملل و جوامع اسلامی را در محل نزول وحی جمع می‌کند و نوعی تمرین وحدت را به نمایش می‌گذارد و از این طریق به شناخت و باهم بودن مسلمانان کمک شایانی می‌کند. این خود منجر به همگرایی و کاهش اختلافات بین نژادهای مختلف مردم می‌شود و در عین حال این تجمع، آموزشی عملی است برای تحمل و مدارا در اختلافاتی که منجر به شکست و سست شدن

امت اسلامی می شود .

از دیگر منافعی که قرآن از این تجمع مسلمانان در حج معرفی کرده است و کنار وحدت و یکپارچگی به آن اشاره دارد و می توان گفت محصول دیپلماسی بین امت اسلامی در حج بوده، کمک به فقرا و نیازمندان به وسیله قربانی هایی است که در ایام حج مسلمانان انجام می دهند. این نوع کمک نیز خود از مظاهر وحدت و یکپارچگی مسلمانان و حفظ اخوت اسلامی و نوعی منفعت اقتصادی حاصله از حج است .

۲. یکی دیگر از اهداف و مقاصد حج، برقراری امنیت است؛ امنیتی که از شاهراه حیاتی کنگره عظیم حج حاصل می شود. در قرآن کریم آیات فراوانی از برقراری امنیت حج در زمان ها و مکان های برگزاری این عبادت بزرگ خبر داده اند. خداوند مکان ها (مکه و بیت الله الحرام) و زمان های حج (ماه های حرام) را امن اعلام کرده و آنها را حریم امن الهی دانسته است تا از این طریق هم فریضه حج مسلمانان در آرامش کامل برگزار شود و هم فرصتی برای هم اندیشی و دیپلماسی مسلمانان برای تحقق امنیت در عالم اسلام باشد.

منابع

* قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۱. ابن عادل حنبلی، عمر بن علی (۱۴۱۹ق)، الباب فی علوم الکتاب، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.

۲. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، چاپ اول.

۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۸ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، مؤسسة الریان، چاپ چهارم.

۴. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ش)، تفسیر کوثر، مؤسسه قم، انتشارات هجرت، چاپ اول.

۵. جمال، احمد محمد (۱۳۹۱ق)، «الحج روائعه و منافعه»، مجلة الوعي الإسلامی، کویت، وزارة

الأوقاف والشئون الاسلامیة، سال هفتم، شماره ۸۴.

۶. دراز، محمد عبدالله (۱۹۷۹م)، نخبة الازهار و روضة الافکار، دوحه، مطابع قطر الوطنیة.

۷. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷ش)، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول.
۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، چاپ سوم.
۱۰. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۸۱ش)، روضة الواعظین، قم، دلیل ما.
۱۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ اول.
۱۲. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصرخسرو، چاپ اول.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسة الطبع والنشر، چاپ اول.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.